

اوضاع سوریه، از بد به بدتر

دکتر هاشم اورعی

استاد دانشگاه صنعتی شریف

پس از ۹ سال جنگ داخلی و چند صد هزار کشته می توان گفت سوریه بدون هیچ دستاوردی به نقطه آغاز بازگشته است. در چند هفته اخیر تظاهرکنندگان در مناطق جنوب شرقی این کشور به خیابان آمده و شعارهایی بر علیه رژیم حاکم سر می دهند، همان شعارهای قبل از آغاز جنگ داخلی "خدا، میهن، آزادی". به صورت هم زمان رژیم جمعیتی را در حمایت از دولت به خیابانها فرستاده است لیکن خبرنگار صدا و سیمای دولتی به سختی می تواند یک نفر را پیدا کند که حاضر باشد در مقابل دوربین از دولت حمایت کند. بسیاری از مردم سوریه به فقر، فساد و نابرابری معترضند و این همان مشکلاتی است که نزدیک به یک دهه پیش موجب آغاز درگیری ها در این کشور شد.

رژیم اسد با کمک روسیه و ایران و البته با هزینه های سنگین انسانی و اقتصادی موفق شد در جنگ داخلی بر مخالفان خود چیره شود. در حال حاضر ادلب آخرین شهری است که هنوز در اختیار مخالفان قرار دارد. ولی دولت سوریه هم اکنون با چالش هایی روبروست که نمی توان آنها را با مشت آهنین از سر راه برداشت. کاهش شدید ارزش پول ملی هر روز تعداد بیشتری از مردم این کشور را به زیر خط فقر کشانده و انتظار می رود تحریم های جدید ایالات متحده شرایط را هر روز دشوار تر کند.

از آنجا که به نظر نمی رسد بشار اسد هیچ راه حلی برای بحران پیش رو داشته باشد، نشانه هایی حاکی از مخالفت نزدیکان وی مشاهده می شود. ۲۰ سال پیش وقتی در پی فوت پدر کشور به بشار اسد به ارث رسید، سوریه کشوری با درآمد متوسط به شمار می رفت ولی امروز ۸۰ درصد مردم این کشور فقیر به حساب می آیند. سال گذشته تولید ناخالص داخلی این کشور تنها حدود یک سوم مقدار آن قبل از شروع جنگ داخلی

بود و پیش بینی می شود در سال جاری حتی کمتر از سال قبل باشد. کمبود شدید منابع ارزی موجب کاهش ارزش پول این کشور شده به طوری که قبل از آغاز درگیری ها یک دلار معادل ۵۰ پوند سوری بود ولی امروز می توان یک دلار را در بازار آزاد با ۳۰۰۰ پوند مبادله کرد. جالب اینکه اخیراً مخالفان دولت در ادلب، لیر ترکیه را جایگزین پول ملی کردند تا در مقابل کاهش ارزش آن مصون باشند.

در پی افزایش شدید قیمت ارزاق، بنا به اعلام سازمان ملل بسیاری از مردم این کشور توان تامین غذای کافی را ندارند. مردم با کمبود شدید دارو مواجهند و برخی مغازه ها که پس از شیوع کرونا اجازه بازگشایی یافتند، به دلیل کمبود مشتری کماکان تعطیلند. با هدف ذخیره منابع مالی دولت به بانکها دستور داده هیچ گونه وامی نپرداخته و حتی برخی خودپردازها جمع آوری شده است. این اقدام دولت شرایط را دشوارتر کرده و مردم در صف های طویل بیرون بانک در تلاشند پس انداز خود را از بانک ها بیرون کشیده تا با کاهش ارزش پول ملی بیش از این متضرر نشوند.

در شرایطی که دولت نه پولی دارد و نه راه حلی، بشار اسد از سر ناچاری به سر کیسه کردن یاران خود روی آورده است. برخی از سرمایه داران تسلیم خواسته وی شده اند ولی عده ای از جمله رامی مخلوف، بزرگترین سرمایه دار سوری و از خویشاوندان اسد به این خواسته تن نداده و مقاومت می کند. وی ماه گذشته برای اولین بار اعتراض خود به رفتار غیرقانونی دولت در مصادره اموال خود را از طریق شبکه های اجتماعی به گوش مردم رساند و در اوایل همین ماه، بشار اسد سوریتل، بزرگترین اپراتور تلفن همراه را از چنگال وی بیرون کشید. بخشی از حامیان سیاسی بشار اسد نیز در حال پشت کردن به رژیمند. جمعی از علویان که بزرگترین اقلیت دینی این کشور را تشکیل داده و خاندان اسد و بسیاری از رهبران حزب حاکم نیز منتسب به آن هستند، در سواحل غربی این کشور دست به اعتراض زده اند. دروزیان که جمعیت آنان به ۷۰۰ هزار نفر می رسد نیز در استان سویدا، یکی از ۱۴ استان کشور، در اعتراض به وضعیت معیشتی خود به خیابان ها آمده اند. به قول ابراهیم حمیدی روزنامه نگار سوری، "در حال حاضر

مشکل رژیم بیشتر با طرفداران خود است تا مخالفانش!" در برخی مناطق از جمله در عا که مخالفت با رژیم از آنجا آغاز شد، اعتراضات به خشونت گراییده است.

در ۲۲ خرداد بشار اسد، عماد خمیس نخست وزیر این کشور را برکنار کرد. او در حال حاضر تکیه بر یاران وفاداری دارد که تعدادشان هر روز کمتر می شود. لیکن مشکلات او در حال افزایش است. در ۲۸ خرداد دولت آمریکا تحریم های جدید سختی را تحت عنوان قانون سزار به سوریه اعمال کرد. سزار عکاس سوری بود که موفق شد ۶ سال قبل عکس هایی را از شکنجه و کشتار زندانیان سوری گرفته و در معرض دید جهانیان قرار دهد. این تحریم ها شامل افراد، شرکت ها و سازمان های سوری و غیر سوری می شود که با این کشور روابط تجاری برقرار کرده و یا هر گونه خدماتی به رژیم ارائه دهند. هدف این قانون جدید آن قدر گسترده است که بعید به نظر می رسد هیچ شرکت بین المللی حاضر به سرمایه گذاری و مشارکت در بازسازی کشور باشد. شکی نیست که رژیم اسد کاملاً ضعیف شده است ولی انتظار نمی رود حداقل در آینده نزدیک سرنگون شود. مردم سوریه خسته اند و میلیونها نفر چشم امید به دولت دوخته اند تا کمک های غذایی سازمان ملل را بین آنان توزیع کند. مضافاً اینکه چهار دهه تحریم به رژیم آموخته است که چگونه فشار را تحمل کرده و تقصیر را به گردن دیگران بیاندازد. رژیم ادعا می کند که در پی عدم موفقیت غرب در سرنگونی بشار اسد با حمایت تسلیحاتی از شورشیان، به جنگ اقتصادی روی آورده است و آمریکا را به دلیل آن که مناطق نفت خیز این کشور را در اختیار اقلیت کرد قرار داده به شدت مورد مواخذه قرار می دهد.

اما در این گیرودار روسیه و ایران کماکان به حمایت خود از رژیم بشار اسد ادامه داده و امید به بازگشت سرمایه گذاری خود بسته اند. چند دهه است که ایران چتر حمایت همه جانبه خود را بر سر رژیم اسد گشوده و موضع رسمی اش این است که به دعوت دولت سوریه در این کشور حضور دارد. لیکن از آنجا که در تاریخ این کشور هیچ گاه انتخاباتی حتی نیمه آزاد برگزار نشده، نمی توان ادعا کرد که الزاماً خواست دولت و ملت سوریه یکیست. حضور پررنگ ایران در سوریه دارای بُعد امنیتی نیز بوده و عنوان

می شود که فعالیت ایران در سوریه موجب تقویت امنیت داخلی کشور می شود. لیکن از آنجا که ایران فاقد مرز مشترک با سوریه است تامین امنیت کشور از طریق حضور نظامی در کشوری غیر همسایه جای تامل دارد. لذا حضور ایران در سوریه بیشتر با هدف افزایش نفوذ منطقه ای و در راستای ملاحظات ژئوپلیتیک ارزیابی می شود.

در هر حال شرایط فعلی به گونه ای رقم خورده که هنوز رژیم اسد با پایان جنگ داخلی نفس راحتی نکشیده، با چالش های جدیدی چون اعتراضات مردمی و تحریم آمریکا دست و پنجه نرم می کند. سیاست خارجی ایران مبنی بر حمایت همه جانبه از رژیم بشار اسد مستلزم صرف هزینه های سنگین بوده است. اما در حال حاضر اقتصاد رسمی و غیر رسمی کشور با چالش های جدی مواجه بوده و تداوم حمایت های مالی از سوریه بسیار دشوار می نماید. لذا وضعیت ایران در سوریه به قمار بازی می ماند که همه پول خود را در قمار باخته و بر سر این دو راهی قرار گرفته که واقعیت را قبول کرده و از سر میز بلند شود و یا به بازی ادامه داده و آینده را قمار کند!